

در زیر نامه افشاگرانه جناب آقای فرامرز دادرس را مشاهده می کنید که در مورد شرکت دکتر خسرو خزاعی در اجلاس یونسکو است ، در حالی که ایشان می دانستند (و شاید نه) در این اجلاس شرکت جستند اما شوربختی و افسوس در این است که ایشان می دانند جمهوری اسلامی هرگز برای زرتشت و زرتشتیان و دیگر اقلیتها دل نسوزانده که حالا بخواهد فرستاده ای ویژه را در این مورد را به یونسکو بفرستد که در بعد روشن گردید اینکارها برای بث رساندن تعزیه می باشد و زرتشت تنها حکم ابزار را دارد و دکتر خسرو خزاعی بجای اعتراض یا تحریم این اجلاس دست به سخنرانی زدند! باقی ماجرا در پایین آمده دادگری با شماسست.(شارمین مهرآذر)

Sh.mehrazar@Gmail.com

www.nasl-man.blogspot.com

86/4/24

www.farhangiran.com

بررسی گرد همایی یونسکو و به ثبت رساندن (تعزیه سیدالشهدا امام حسین) بعنوان آثار فرهنگ جهانی در پی افشا شدن دسیسه جمهوری اسلامی در یونسکو از سوی تارنمای فرهنگ ایران ،که برای نخستین بار پرده از این ماجرا برداشت برخورد های گوناگونی رخداد که خویشکاری ما است که هم میهنان را بیشتر آگاه کنیم. این دسیسه که با همکاری برخی ایرانی نما های وطن فروش، بنام بزرگداشت زرتشت، ولی در حقیقت برنامه ریزی برای به ثبت رساندن مراسم (تعزیه سیدالشهدا امام حسین) در لیست آثار فرهنگ جهانی بود . برخورد های میهن دوستانه نشریات و تارنما ها و سازمانهای فرهنگی و ایران دوستان را با کارگزاران دسیسه چین این برنامه باعث شد. بگونه ای که آقای خسرو خزاعی ،مدیر کانون اروپایی برای جهان بینی زرتشت که با شرکت و همکاری ،دست در دست کارگزاران جمهوری اسلامی نقش ننگینی را بازی نمودند ،در پی چاره جویی بر آید. و در ماهنامه چند برگی خود به داستان گویی آنهم بروش داستانهای پلیسی - سیاسی پردازد و مدعی کشف جاسوس جمهوری اسلامی در انجمن جهانی زرتشتیان شدند ، این انجمن چند ماه است که در حال تشکیل می باشد و گویا ایشان خود از دست اندرکاران آن هستند. ایشان این بار از زرتشت شناسی، به یک مقام امنیتی تبدیل شدند، و با سرهم کردن یک داستان مهیج ،خوانندگان را شیفته قلم زنی خود نمودند، و ماهنامه چند برگی کانون خود را که گویا یک مرکز زرتشت شناسی می باشد به ماهنامه (جاسوس شناسی) دگرگون کردند، و بیچاره زرتشتیان و دوستداران زرتشت که بایستی هزینه این پژوهش ایشان را نیز بپردازند ، و این گونه که بنظر می رسد کتاب آینده این پژوهشگر زرتشت شناس در باره جاسوسی و ضد جاسوسی خواهد بود. بهر روی دنیای غربی است و کار ملت ایران به کجا رسیده است!.

می پردازیم به نوشته های آقای دکتر! ایشان در آغاز شمه ای از روش های کشتن مخالفان جمهوری اسلامی به دست عوامل آن رژیم می پردازند، و سپس از این می گویند که خود ایشان هم از سوء قصد جان بدر برده اند، و سپس ادامه می دهند که اکنون جمهوری اسلامی روش خود را دگرگون کرده و به ترور شخصیت می پردازد. در داستان آقای خزاعی ،مرغ پخته نه تنها می خندد بلکه پرواز هم می کند! ایشان با کمک کارگزاران جمهوری اسلامی برای بدست آوردن شخصیت دروغین به یونسکو برده شد، که بتواند در آینده بخدمت ننگین خود بسود رژیم در انجمن های زرتشتی و فرهنگی ادامه دهد، حال گفتگو از ترور شخصیت می کند! آقای دکتر قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را؟!

آقای خزاعی شما بودید که در کنار کارگزاران جمهوری اسلامی ایستادید، و خوابار ایران نوش جان کردید، و کتابهایتان را هم فروختید! حالا کسی که دست شما را رو کرده ، جاسوس جمهوری اسلامی معرفی می کنید؟! و خرد مردم را خوار می شمارید؟! این گفتار شما ما را بیاد آن دزدی می اندازد، که خود می دوید و می گفت آی دزد!

شما از زمانی که با یاری جمهوری اسلامی به یونسکو رفتید، از همان لحظه میان میهن دوستان، بنام یک عنصر خود فروخته شناخته شدید، و لی باور نداشتید که دستتان رو شود، و باین روز فلاکت بار بیفتید، که بجای پوزش خواهی از مردم ستمدیده ایران، زنان و مردانی که در تانکستان قزوین سنگسار می شدند، در حالی که شما در کنار تروریست های شناخته شده رژیم خاویار نوش جان می کردید و کتابی که پیشاپیش بنام سرقت ادبی معروف شده است را می فروختید. آقای دکتر می نویسند «بنابراین رژیم در آغاز دست به تربیت مامورانی برای اینکار زد و آموزشگاههایی باز نمود. از مهمترین مواد درسی این آموزشگاه ها این است که چگونه می شود خود را در جلد افراد آن انجمن در آورد و با نیروی دروغ و تهمت شخصی را بی اعتبار کرد» و سپس از یکی از مامورین جمهوری اسلامی در وین (اتریش) یاد می کند که به آقای دکتر زرتشت شناس گفته است «این افراد هر کدام میان سه یا چهار سال در ایران دوره می بینند و با مهارت عمل می کنند و ...

بهتر است آقای دکتر خزاعی پاسخ دهند، که ایشان که یک زرتشت شناس در بلژیک هستند، چه کار با مامورین جمهوری اسلامی در اتریش دارند؟! و چرا به کار آموزشگاههای جاسوسی علاقمند هستند؟! نکند ایشان خود دوره دیده چنین مساجدی می باشند، و در پایان برای ارتقاء درجه با کمک استادان خود سر از یونسکو در می آورند؟! سپس ایشان مانند مرحوم دایی جان ناپلئون رجز خوانی کرده و شرحی از مبارزات سی ساله خود در (جنگ ممسنی) استرالیا و بلژیک داده اند، و از نابودی فرهنگ چشم کبود ها بوسیله سیستم مدرن خود گفتگو کردند! آقای دکتر سپس ماجرای رفتن خود را به یونسکو و شرکت در برنامه تعزیه گردانی را به روش مدرن خود باز گو می کنند.

ایشان می نویسند: «دو ماه پیش یک بانو از فرانسه بنام منیره متقیان (نام راستین این خانم همکار رژیم، معصومه متقیان) می باشد، به من تلفن کرد و خواهشی داشت، که به اینگونه آنرا برای من شرح داد: من شما را از راه مقاله ها و نوشتار هایتان می شناسم و شماره تلفن شما را از سایت شما پیدا کردم، و خود دبیر یک انجمن در شهر نانسی (در فرانسه) هستم، که مدت شش ماه است تاسیس شده. ما شنیده ایم که چند کشور از جمله تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان... تصمیم گرفته اند در سازمان یونسکو جشن نوروز را بعنوان یک میراث فرهنگی به ثبت برسانند. چون دولت جمهوری اسلامی در این کار شرکت نمی کند و می ترسیم که این جشن ملی ایرانیان فقط به نام آن کشور ها ثبت شود. ما بعنوان یک انجمن مستقل ایرانی - فرانسوی می خواهیم در این امر با کشور های نام برده شریک شویم. دلیل تلفن ما به شما این است که از شما خواهش کنیم یک سخنرانی در باره زرتشت و کوششهای او برای حفظ محیط زیست برای ما بزبان فرانسه بکنید».

دم خروس به آرامی دارد از زیر عبای آقای دکتر خزاعی بیرون می آید، ایشان از یک انجمن «مستقل ایرانی - فرانسوی» نام می برند و تاکید بر مستقل بودن آن دارند! اغافل از اینکه انجمن که ملیت نیست که بشود گفت فرانسوی - ایرانی! این انجمن در شهر نانسی فرانسه به ثبت رسیده و یک انجمن فرانسوی است و اگر همزمان در ایران هم به ثبت رسیده باشد، با شناختی که ما از جمهوری ملایان داریم، یک انجمن دست ساخته و دست نشانده ایست، که هدفی جز به بیراهه کشاندن میهن پرستان در خارج از کشور ندارد، و دیگر اینکه ایشان می گویند که قرار بوده در باره به ثبت رساندن جشن نوروز در یونسکو کاری انجام شود، ولی خانم معصومه متقیان از ایشان خواسته اند که در باره زرتشت و محیط زیست سخنرانی کنند، آقای دکتر چه رابطه ای میان محیط زیست و زرتشت و جشن نوروز می بیند؟!

آقای خزاعی سپس به سیاه کردن کاغذ می پردازد، و از ارکستر موسیقی و کوکو و شامی و خاویار سخن می گوید، و می خواهند با گفتن این ریزه کاریها صداقت و درستی گفتار خود را نشان دهد، و زمینه را برای مغلطه و سفسطه گویی آماده کند! چون به جایی میرسند که تا چند لحظه دیگر خود خروس از زیر عبای ایشان به بیرون می پرد. سپس می نویسند: «باز چند روز بعد بانو متقیان به من تلفن کرد و گفت «یک دشواری در کار ما برای اجاره سالن یونسکو پیدا شده». گفتم چه دشواری؟ گفت «قانون اداری یونسکو این است که برای اجاره سالن در آنجا باید یک کشوری در یونسکو زیر برکه قرارداد اجاره را امضاء کند. چکار کنیم؟ گفتم من به نماینده تاجیکستان در یونسکو تلفن می کنم تا او این کار را بکند. پس از دو سه روز کوشش سر انجام توانستم تلفنی با یک نفر تاجیکی

در یونسکو گفت و گو کنم. او گفت ، نماینده تاجیکستان چند ماه است که ماموریتش تمام شده و به تاجیکستان برگشته و هنوز نماینده جدیدی فرستاده نشده. من این موضوع را به بانو متقیان گفتم. ایشان گفتند که پس ما ناچاریم به نماینده ایران در یونسکو بگوئیم که زیر برکه اجاره سالن را امضاء کند، چون برای ما اجرای این برنامه در یونسکو خیلی مهم است. او گفت تمام دعوت شدگان صد در صد از هم اندیشان ما و هواداران زرتشت هستند. نماینده جمهوری اسلامی فقط یک امضاء می کند!!!

آقای دکتر خزاعی شما که زرتشت شناس و جاسوس شناس سر شناسی می باشید!!! چگونه نفهمیدید که این یک دام است؟! شما چطور با ذکاوت و هوش سرشار خود جاسوسی در انجمن جهانی زرتشتیان را یافتید، ولی خانم متقیان را جور دیگری دیدید! شما که لاف می زنید که از دروس آموزشگاه جاسوسی جمهوری اسلامی که بی شک باید سری و پنهانی باشد آگاه هستید ولی این امضاء را (فقط یک امضاء) ناقابل می دانید؟!

آقای دکتر مبارز در ادامه گفته اند: اگر از من در یک مسجد اسلامی هم دعوت شود تا در باره زرتشت سخن بگویم خواهم پذیرفت!!! شاید هم برود و نماز هم بخواند.!!!

آقای دکتر شما باید بدانید که همین مساجد بر روی نیایشگاه های ویران شده ایرانیان و زرتشتیان بر پا شده است ، و همان شمشیر خونریز اسلامی، که شما به یک امضای ناقابل آن نیازمند شدید ،گردن پدران و شکم مادران و سینه کودکان ایرانی را بریده و دریده است و شما به پابوسی و دستبوسی به مسجد می روید!.

ای کاش کمی از اندیشه های زرتشت را درک می کردید و بدام کاوی ها و کریان ها نمی افتادید ، که همه این حقارت ها ناشی است از عقده های درونی و خود نمایی که گرفتار آن هستید و از آن بر می خیزد. آقای دکتر می نویسند : « چند روز دیگر باز بانو متقیان به من تلفن کرد و گفت نماینده جمهوری اسلامی در یونسکو گفته، دوست دارد در گوشه ای بنشیند و سخنرانی را گوش کند. تنها در پایان برنامه زمانی که همه چیز تمام شد (به مدت چند دقیقه) چند واژه ای بگوید!!!»

شگفت آور است که این دکتر جاسوس شناسی هنوز از خواب غفلت بر نخاسته است. و یا اینکه براستی خود شاگرد همان آموزشگاه جاسوسی که در بالا شرح داد بوده است و برای بدست آوردن ننگین نامه پایانی به یونسکو رفته است!!!

لازم بیاد آوری است که آقای دکتر محمد رضا دهشیری سفیر جمهوری اسلامی ، در یونسکو همان کسی که آن (امضای ناقابل) را برای آقای دکتر کردند. ایشان ضمن سخنرانی «چند واژه ای» در خواست کردند که (تعزیه حضرت سیدالشهدا امام حسین) در آثار فرهنگ جهانی یونسکو ثبت شود ، و اینجاست که در می یابیم که جریان جشن نوروز زرتشت چیزی جز دام ملایان برای پیشبرد اهداف فرهنگ ستیزی انیرانی نبوده است.

آقای دکتر باز چند سطری دیگر به سیاهکاری می پردازد، تا جایی که بکسی با نام (ف د) همان جاسوس اختراعی ایشان، که کسی جز کاردار انجمن جهانی زرتشتیان در پاریس نیست اشاره می کند! (ف د) کاردار انجمن جهانی زرتشتیان کسی بوده که چند روز جلوتر از شرکت آقای دکتر خزاعی در دسیسه عوامل جمهوری اسلامی، با فرستادن هشدار به گروه سرپرستان انجمن جهانی پرده از این دسیسه برداشته، و با بیان ریزه کاری ها ، هموندان و در نتیجه این آقای دکتر را پیشاپیش آگاه کرده، و از کار های نادرست و مشکوک آقای خزاعی پرده برداشته است، و آقای خزاعی بدلیل افشا شدن همکاری اش با جمهوری اسلامی نگران شده و دارد نعل وارونه می زند، و آنهم بگونه ای ناشیانه و کودکانه ، و در حقیقت خود که شاید شاگرد همان آموزشگاه جاسوسی و شخصیت شکنی بوده، دقیقاً برنامه ترور شخصیت را در باره کسی که هشیارانه به نقشه های جمهوری اسلامی پی برده است اجرا می کند، و بی شک در این کار تنها نیست و پشتیبانانی در گوشه و کنار دارد. آقای خزاعی باید بداند که هنگامیکه به یاری جمهوری اسلامی به یونسکو برده می شود، تا شخصیت دروغین علمی برایش دست و پا کنند ، یک جاسوس دیگر جمهوری اسلامی که نمی آید ایشان را افشا کند ، و این برچسب را با هیچ چسبی نمی توان به جایی چسباند ، آقای دکتر، آن کسی که پرده از کار نادرست و ضد ایرانی و ضد زرتشتی شما و کارگزاران جمهوری اسلامی برداشت، تنها می تواند یک میهن پرست دلسوخته و خسته از این نادرستی ها و خیانت ها باشد . آقای دکتر، شما با یاری و امضای (ناقابل) جمهوری اسلامی و دست در دست عوامل آن به خوردن کوکو و شامی و

خاویار پرداختید، و حالا می‌دوید و نعره می‌کشید که جاسوس گرفته‌اید؟ زهی وقاحت! که تنها از حوزه‌های فقهیه قم بیرون می‌آید! آقای دکتر، آنگونه که دریافت می‌شود، ایران و زرتشت برای شما چیزی جز همان کوکو و شامی و خاویاروفروش چند تا کتاب و شاید هم زلف خانم‌ها نیست!!!

آقای دکتر سپس به داستانسرایی ادامه می‌دهد، و از راستی، اندیشه نیک و پیمان سخن می‌گوید و چند سطر پایین‌تر می‌نویسد که پرونده این جاسوس که ایشان را افشا کرده در دست مقامات امنیتی می‌باشد، ولی اشاره نمی‌کند چه مقاماتی؟ البته بگمان ما منظور ایشان تنها می‌تواند، مقامات امنیت جمهوری اسلامی باشد! که نگران سرنوشت آقای دکتر در انجمن زرتشتیان می‌باشند، و چه بسا با اشاره آقای دکتر این آقای (ف د) را که در افشای وطن‌فروشان کوشا می‌باشد، بایستی از سر راه برداشت! آقای دکتر سپس از آقای هومر آبرامیان یاد می‌کند، و از زبان ایشان سخنانی می‌گوید، و اشاره به ناسازگارهایی در انجمن جهانی زرتشتیان بوجود آمده می‌کند. آقای دکتر فراموش کرده‌اند که بخاطر کار پلیدشان از همین آقای هومر آبرامیان در استرالیا سیلی خوردند. آقای دکتر می‌نویسند که نامه‌های گوناگونی بدست ایشان رسیده و همه نویسندگان مرد می‌باشند که با نام‌های زنانه نامه نوشته‌اند بجز یک تن بنام (قیاسی) که ایشان فهمیدند مرد هستند، نمی‌دانیم چگونه است چون یک زن هم می‌تواند نام (قیاسی) داشته باشد. البته ایشان بجز زرتشت‌شناسی و جاسوس‌شناسی، بتازگی خط‌شناس هم شده‌اند، و از روی نامه‌ها، حتا کامپیوتری تشخیص می‌دهد که نویسنده مرد است یا زن!!

البته ما بررسی کردیم این (قیاسی) که ایشان نام می‌برند، آقای دکتر «رضا مرادی غیاث آبادی» ایران‌شناس سرشناسی می‌باشند، که چند ماه پیش با خواندن همین ماهنامه، یا بهتر بگوئیم ناسزا نامه، کانون اروپایی برای جهان بینی زرتشت به مدیریت و نویسندگی آقای خزاعی پاسخی شایسته به پرت و پلاهای آقای خزاعی و هم‌پالکی‌های ایشان که عاری از هر علم و دانشی می‌باشند دادند. و چون آقای خزاعی و هم‌پالکی‌هایش نتوانستند در برابر سخنان این ایران‌شناس که تماما درست بود پاسخی بدهند، ویرا نیز جاسوس جمهوری اسلامی نامیدند و در همین ناسزا نامه ایشان درج شد. البته این کار ایشان تازگی ندارد، و ایشان به هر کس که از کار هایش ایرادی بگیرد انگ جاسوسی می‌زند، و فکر می‌کنم این بیمار مالیخولیایی در خواب نیز به گرفتن جاسوسان جمهوری اسلامی مشغول است. ولی شگفت‌آور است که بدنبال یک (امضای ناقابل) جمهوری اسلامی می‌دود، و در کنار کارگزاران اهریمن، خاویار و کوکو و شامی کوفت جان می‌نماید!

ما نامه آقای دکتر غیاث آبادی را نیز در زیر برای خوانندگان محترم و ایران‌دوستان راستین می‌آوریم، تا ادعاهای بیمارگونه این شیاد فرهنگ فروش، که با بهره‌گیری از نام زرتشت به زنبارگی و وطن‌فروشی مشغول است آشکار شود. آقای دکتر در پایان و بگونه‌ای ناشیانه و بسیار کودکانه، یک مصاحبه ساختگی با شخصی بنام شهاب در کشور اتریش ترتیب داده‌اند و این آقای شهاب خیالی، را که مدعی هستند جاسوس پیشین جمهوری اسلامی بوده به کمک طلبیدند تا ثابت کنند که (ف د) افشاکننده ایشان، جاسوس جمهوری اسلامی است. و خنده‌دارتر و مضحک‌تر اینست که در ماهنامه کانون اروپایی برای جهان بینی زرتشت، بمدریت همین آقای خزاعی که بایستی در باره زرتشت قلم بزند، به آموزش ضد جاسوسی پرداخته و هزینه‌اش را هم زرتشتیان پرداخت خواهند کرد!!! آقای دکتر می‌نویسند، که در کانون ایشان در درازای بیست و هشت سال هیچ جاسوسی با هشپاری ایشان نتوانسته است نفوذ کند، ولی اشاره نمی‌کند که کانون ایشان یک نفره است، و بجز ایشان کسی در آن نیست، و با بودن ایشان دیگر نیازی به نفوذ جاسوسان نمی‌باشد! کار آقای دکتر ما را بیاد شعر دو خریه ایرج میرزا می‌اندازد که خالی از لطف نیست و وصف الحال می‌باشد.

بود است خری که دم نبودش

روزی غم بی‌دمی فزودش

در دم طلبی قدم همی زد

دم می‌طلبید و دم نمی‌زد

ناگه نه ز راه اختیاری

بگذشت میان کشتزاری (یونسکو)

دهقان (دهشیری) مگرش ز گوشهای دید

برجست و از او دو گوش ببرید

بیچاره خر آرزوی دم کرد

نا یافته دم دو گوش گم کرد

در پایان اگر به گزارش آقای (ف د) همان جاسوس ادعایی آقای خزاعی، که کاردار انجمن در حال تشکیل جهانی زرتشتیان، که پنج روز پیش از برگزاری این برنامه در یونسکو، در تاریخ 19 ژوئن 2007 به گروه سرپرستان نوشته بود توجه کنیم، به خوبی درک می شود، که چه کسانی در کار ترور شخصیت می باشند، ولی خود را قربانی آن قلمداد می کنند، و از راستی و اندیشه نیک سخن می گویند و برآستی اینان جز دکانداران دین فروش و فرهنگ فروش چیز دیگری نیستند. تارنمای فرهنگ ایران با یاری مهین دوستان راستین آگاهی های بسیاری در دست دارد، که در زمان خود در دسترس همگان گذاشته خواهد شد. در زیر نامه های کاردار انجمن در حال تشکیل زرتشتیان و نوشتار آقای دکتر غیاث آبادی دیده می شود.



پاریس 19 ژوئن 2007

گیرندگان: گروه سرپرستان: خانم شیدا انوشیروانی - آقابان - علی اکبر جعفری - منوچهر فرهنگی - آبتین

ساسانفر

در باره: آقای خسرو خزاعی

با درود

به آگاهی می رسد که بر پایه خبر های بدست آمده، قرار است که آقای خسرو خزایی در تاریخ شنبه 23 ژوئن 2007 از ساعت 1530 تا 1900، به وقت پاریس در خانه یونسکو در پاریس، در یک گرد همایی بنام (زرتشت نخستین مدافع محیط زیست در تاریخ) سخنرانی کند.

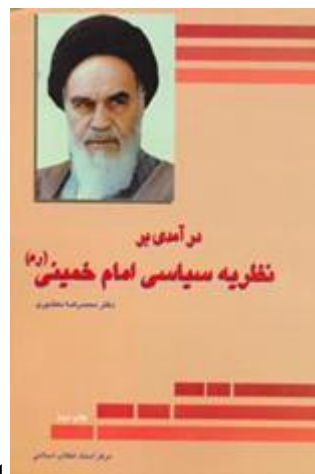
برگزار کننده این سخنرانی انجمن نامبرده در زیر می باشد.

L'ASSOCIATION « TOURISME POUR RESTAURATION DES PATRIMOINES CULTURELS ET DEVELOPPEMENT DURABLE » « T.R.P.C.D.D

ترجمه نام انجمن (انجمن گردشگری و باز سازی آثار فرهنگی و گسترش دراز مدت)

بر پایه بررسی ها این انجمن در تاریخ یکم دسامبر 2006 در پیرامون شهر نانسی در فرانسه بنام خانم معصومه متقیان به ثبت رسیده است. این خانم در ماه اکتبر 1996 تز فوق لیسانس خود را در رشته حقوق و پیرامون سازمان یونسکو نوشته است و بگفته خودش هم اکنون دانشجوی دکترا در رشته حقوق می باشد. بایستی به آگاهی برسانم که برگزار کننده اصلی این همایش هیئت نمایندگی دائم جمهوری اسلامی در سازمان یونسکو می باشد و معاون این هیئت نمایندگی، بنام دکتر رضا دهشیری نیز در پایان سخنرانی می نماید، ولی در آگاهی های فرستاده شده نام ایشان درج نشده است. و در پایان از شرکت کنندگان با خوراک های ایرانی و خوابار نیز پذیرایی

خواهد شد. این آقای دهشیری نویسنده کتابی بنام در آمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره) می باشد که رونمای کتاب را در زیر می بینید.



این کتاب در 396 صفحه از انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی در تهران چاپ شده است و چاپ دوم در سال 2001 می باشد و بهای آن 8,5 یورو می باشد.

این خود گویای همه پرسش های پیش آمده می باشد .
خانم معصومه متقیان در پیوند و همکاری با این آقا می باشد و شخص دیگری بنام پ. حبیبی ساکن فرانسه نیز از همکاران این خانم در برگزاری این همایش می باشد که در آینده در باره ایشان نیز بررسی خواهد شد چون هم اکنون زمان کافی برای این کار در دست نیست ولی آدرسها و شماره تلفن های این خانم و آقایان در دسترس می باشد. بگفته خانم معصومه متقیان آقای خزاعی قول همکاری های بیشتری با این انجمن را داده است و باز بگفته این خانم ،هدف اصلی این انجمن بردن توریست به ایران می باشد و ما می دانیم که این کار زیر نظر حکومت جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات رژیم می باشد و شرکت و همکاری آقای خسرو خزاعی در این کار نظر باینکه ایشان جزو گروه سرپرستان انجمن جهانی زرتشتیان می باشند، درست بنظر نمی رسد و انجمن را در آینده با دشواری هایی روبرو خواهد کرد. سال گذشته آقای خزاعی در کنفرانس سازمانی بنام (سازمان پارس، شورای براندازی) در بروکسل در هتل شرایتون شرکت داشتند، که عکس رهبر این سازمان و اعضای شورا و آقای خزاعی را در زیر می بینید. نفر سوم از چپ آقای خزاعی می باشند.



این سازمان چند سالی است که بوسیله شخص روان پریشی بنام دکتر دندانیزشک، معروف به آرمان نوری در پاریس درست شده و آقای نوری و سکرترش که یک خانم جوان ایرانی است در پاریس هستند، و چند تن دیگر در بلژیک که در تصویر بالا دیده می شوند. آرمان نوری با یاری آقای جمشید حسنی، معروف به بزرگ امید در اسرائیل با سازمانهای اطلاعاتی اسرائیل تماس گرفته و چند بار هم در آنجا جلساتی بر پا کردند و آقای صادق زاده که در فرانسه زندگی می کنند و شوهر خانم لیلی معروف به (پارسی) می باشند نیز در رابطه با این آقای نوری در یکی از این جلسات بود این خانم و آقا در پاریس بخاطر کارهایشان معروف می باشند. آقای نوری همیشه چند تن از جوانان متقاضی پناهندگی را بدور خودش گرد آورده و گاهی یک تظاهرات ده یا پانزده نفره در بلژیک و روبروی سازمان همکاری اروپا بر پا می کنند. ایشان خود را (شاه جمهور) ایران می دانند و هر هفته یک اعلامیه همراه با عکس خود صادر می کنند. اگر به عکس نگاه کنید می بینید که این آقای رهبر چه بادی به بغب خود انداخته اند و متاسفانه آقای خزاعی که جزو سرپرستان انجمن جهانی زرتشتیان می باشند و از سویی دیگر مدیر کانون اروپایی زرتشت می باشند نیز در تصویر دیده می شوند. فیلم این کنفرانس نیز در دست می باشد. در بررسی های انجام شده روشن شد که چند خانم و دختر خانم که دارای گرفتاری های گوناگون پناهندگی و غیره می باشند در این سازمان رفت و آمد می کنند و این مسئله باعث شده که برخی از آقایان به سوی این سازمان که بیشترین هموندانش در بلژیک می باشد جلب شده اند بررسی در باره این گونه سازمان ها همیشه بما نشان داده که مامورین جمهوری اسلامی نفوذ زیادی در آن ها دارند.

متاسفانه آقای خزاعی دارای دو نقطه ضعف می باشند :

- در برابر زنان و همانگونه که می دانیم ایشان تاکنون مشکلاتی در این زمینه درست کرده اند ، و یکی از آنها که زیاد سرو صدا کرد، رابطه نادرست ایشان در استرالیا با همسر میهماندار خود که در خانه آنها برای چند ماه زندگی می کرد بود، که در پایان به اخراج ایشان از دانشگاه محل کارش و از هم پاشیدن این خانواده ایرانی با دو فرزند گردید، و آقای آبرامیان در جریان کامل این رخداد می باشند. این مسئله در پی یک جستار از شخصی بنام آذرمیدخت پارسی بر علیه کتاب گاتا های آقای خزاعی چندی پیش در اینترنت بازگویی و پخش شد. در آنجا نویسنده ای بعنوان ، دستیار آقای خزاعی در مناظره نوشتاری در اینترنت ، برای دفاع از ایشان نوشته اند ، که ایشان جزو گروه سرپرستان انجمن جهانی زرتشتیان می باشند و متاسفانه برای گواه آوردن پاکتی ایشان، نام های آقایان جعفری، فرهنگی ، جمشیدی ، آبرامیان ، ساسانفر و حسن عباسی و را نوشته بودن که این جستار ها در دسترس می باشند . نقطه ضعف دیگر ایشان خود نمایی می باشد که باعث بدام افتادن ایشان می شود، ایشان بی هیچ پرس و جویی بدام خانم معصومه متقیان افتاده اند و در نتیجه بدام هیئت دائمی جمهوری اسلامی در یونسکو.

در پایان می خواهم پیشاپیش از خانم و آقایان پوزش خواهی کنم ، و بویژه از آقای فرهنگی چون ایشان از من قول گرفته بودند که در حال حاضر تا روشن شدن وضع انجمن دست به کاری نزنم، و برآستی با پیش آمدن این رخداد، چنین آدمی نیستیم که سکوت کنم ، چون آبروی همه ما و یک فرهنگ و کشور و این انجمن نو پا که با ندانم کاری های برخی در خطر می افتد سکوت جایز نیست . و از همه سروران می خواهم که به این هشدار های من که گاه نیز بی پروا می باشد و خوشایند نیست بدیده ژرف بنگرند چون جز راستی و انجام کار راست چیز دیگری نیست و ناچارم برای رساندن رویداد ها بی پرده بگویم، و این خویشکاری من می باشد که شما را آگاه کنم و از شما درخواست دارم که هر چه زودتر وضع انجمن را روشن بفرمایید تا بتوانیم با آسودگی در پیشبرد آرمان های انجمن گام برداریم ، چون با این رخداد های گوناگون و پی در پی انجام کار دشوار خواهد شد و تلاشهای همه یاران بر باد خواهد رفت، و می دانم که برخی از هموندان از این هشیاری و جدیت در انجام کارها خوشنود نیستند، ولی این ناخشنودی ها را بایستی بجان خرید و نهراسید تا بتوانیم در کار بزرگی که در پیش داریم پیروز شویم.

با آرزوی تندرست و شاد کامی برای یاران ارجمند

فرامرز دادرس